شهرآرا
روزنو
30
09
19
۲شنبه
۰۸ مهر ۱۳۹۸
۰۱ صفر ۱۴۴۱
شماره ۲۹۳۵

# تراژدی قطع انگشت

## درباره ویدئوی داغ و جنجالی قطع شدن انگشت نوزاد تازه‌متولدشده به‌دلیل سهل‌انگاری یک پرستار

ایمان فروزان‌نیا

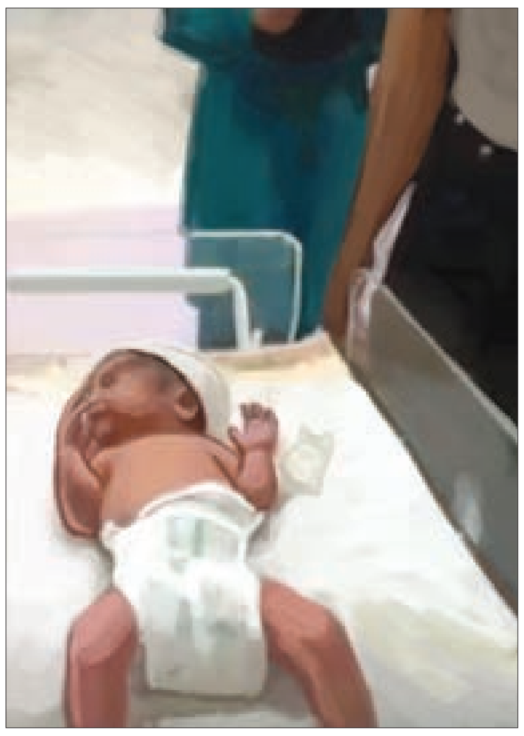

همین اول بگویم که خواندن این مطلب را به پدر و مادرهایی که نوزاد دارند یا افرادی که روحیه حساس دارند، توصیه نمی‌کنم. همه‌چیز از یک ویدئو شروع شد؛ ویدئویی که دیروز جزو داغ‌ترین ویدئوهای فضای مجازی بود و خبر از یک اتفاق تلخ در بیمارستان نور شهرستان شهریار واقع در استان تهران می‌داد. دوربین روی نوزاد تازه‌به‌دنیاآمده کمی مکث می‌کند. صدای هق‌هق و دل‌دل زدن نوزاد، خاطر هر بیننده‌ای را آزرده می‌کند. هیچ‌کس دور تخت خوشحال نیست. پدر کودک که معلوم است کمی قبل‌تر به تخت فرزندش بادکنک بسته‌اند، تندتند و بی‌هدف دور تخت قدم می‌زند. بعد دوربین روی دست کودک می‌رود و از انگشتی حکایت می‌کند که با سهل‌انگاری یک پرستار قطع شده است. ویدئو را خانواده کودک منتشر کرده و مدعی شده‌اند یکی از انگشتان نوزاد تازه‌متولدشده‌شان در بیمارستان با قیچی بریده شده است.

### ● مصاحبه دردناک پدر

اولین واکنش را خبرنگاران نزدیک به محل حادثه نشان دادند و به بیمارستان رفتند تا با پدر نوزاد صحبت کنند. خیلی زود ویدئوی صحبت‌های این پدر نیز مثل ویدئویی که از وضعیت جسمی کودک منتشر شده بود، در فضای مجازی داغ شد. پدر این کودک با سرووضعی پریشان و درحالی‌که نمی‌تواند جملات را به‌درستی پشت‌سر هم ردیف کند، می‌گوید: «ما دو تا سه ساعت پس از قطع انگشت فرزندم متوجه این حادثه شدیم، اما متاسفانه بیمارستان جراح نداشت که بتواند مشکل را حل کند. این اتفاق ساعت یک بعدازظهر افتاد اما جراح ساعت ۵بعدازظهر آمد و به من گفت احتمال درست شدن انگشت فرزندم ۵۰درصد است. او گفت باید هفت روز صبر کنیم و پس از هفت روز اگر انگشت خشک شد و افتاد، مشخص می‌شود عمل موفقیت‌آمیز نبوده است و اگر نیفتاد، عمل موفقیت‌آمیز بوده است. حالا با گذشت دو روز به من زنگ زده و گفته‌اند حال نوزاد بد است و به او دستگاه وصل کرده‌اند. درحال‌حاضر نه کسی به ما پاسخ‌گوست و نه اجازه ملاقات فرزندم را می‌دهند.»

خبرنگاری که این فیلم را تهیه کرده است، در ادامه خودش مقابل دوربین می‌آید و می‌گوید: مسئولان بیمارستان از پاسخ‌گویی به او خودداری و از بیمارستان، بیرونش کرده‌اند.

### ● دردی که درمان نمی‌شود

این اولین‌باری نیست که خطای یک پزشک یا پرستار سوژه داغ فضای مجازی می‌شود. کشیدن بخیه از صورت بیمار، جاگذاشتن سوزن در قلب، جراحی اشتباه یک عضو و کلی داستان دیگر را می‌توانید با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت پیدا کنید.

سوالی که پیش می‌آید این است که آیا خطاهای پزشکی در این سال‌ها زیادتر شده‌اند یا به‌دلیل پیشرفت فناوری ارتباطی و وجود شبکه‌های اجتماعی، بیشتر دیده می‌شوند؟

طبق آمار درج‌شده در اخبار قصور احرازشده ازسوی کمیسیون پزشکی‌قانونی در سال ۹۷ نسبت‌به سال قبل از آن کاهش ۱۹درصدی داشته است که این آمار را می‌توان نشانگر کاهش خطا و افزایش دقت در امور درمانی تلقی کرد. از آن طرف امکان اشتراک‌گذاری داستان در شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که مردم بیشتر از گذشته درباره اتفاقات تلخی که در بیمارستان‌ها برایشان می‌افتد، صحبت کنند و خطاها و سهل‌انگاری‌های پزشکی بیشتر از قبل به چشم بیاید. آنچه این وسط باعث ناراحتی مضاعف و ایجاد جو علیه جامعه پزشکی می‌شود، نبود یک نهاد پیگیر و پاسخ‌گو در بیمارستان است.

در همین ماجرای قطع شدن انگشت نوزاد یادشده، پدر کودک بیشتر از هر چیز، از اینکه نه رئیس بیمارستان برای پاسخ‌گویی حضور داشته است نه معاون بیمارستان، کلافه بود. شاید اگر از همان اول یک نفر پیدا می‌شد تا این پدر نگران را آرام کند و از حق‌وحقوق قانونی و محفوظ او برای شکایت از پرستار و بیمارستان برایش بگوید، هیچ‌وقت کار به فضای مجازی کشیده نمی‌شد و افکار عمومی را درگیر نمی‌کرد. درد اصلی در بیمارستان‌های ما درد پاسخ‌گو نبودن و به حال خود رها کردن بیمار و اطرافیان اوست که تلخ‌ترین خاطرات را برای بسیاری از ما ساخته است و هیچ‌کس هم به فکر درمان آن نیست. ●

## هزار تو

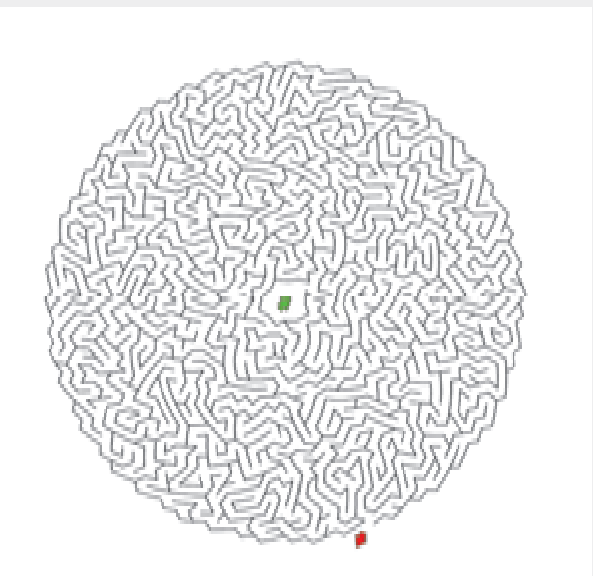

## سودوکو پازلی

قوانین سودوکوی پازلی درست مثل سودوکوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودوکوی معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

شماره ۵۰

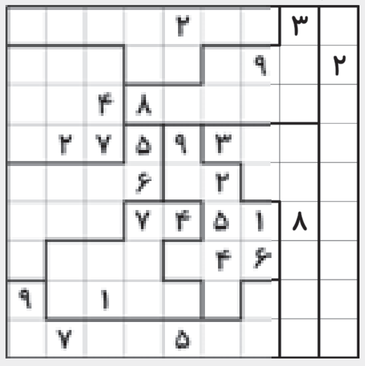

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۳ | | | ۲ | | | | |
| ۲ | | ۹ | | | | | | |
| | | | | | ۸ | ۴ | | |
| | | | ۳ | ۹ | ۵ | ۷ | ۲ | |
| | | | ۲ | | ۶ | | | |
| | ۸ | ۱ | ۵ | ۴ | ۷ | | | |
| | | ۶ | ۴ | | | | | |
| | | | | | | ۱ | | ۹ |
| | | | | ۵ | | | ۷ | |

پاسخ شماره ۵۰

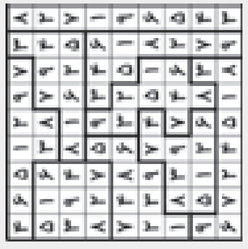

## جدول ۲۷۷۹

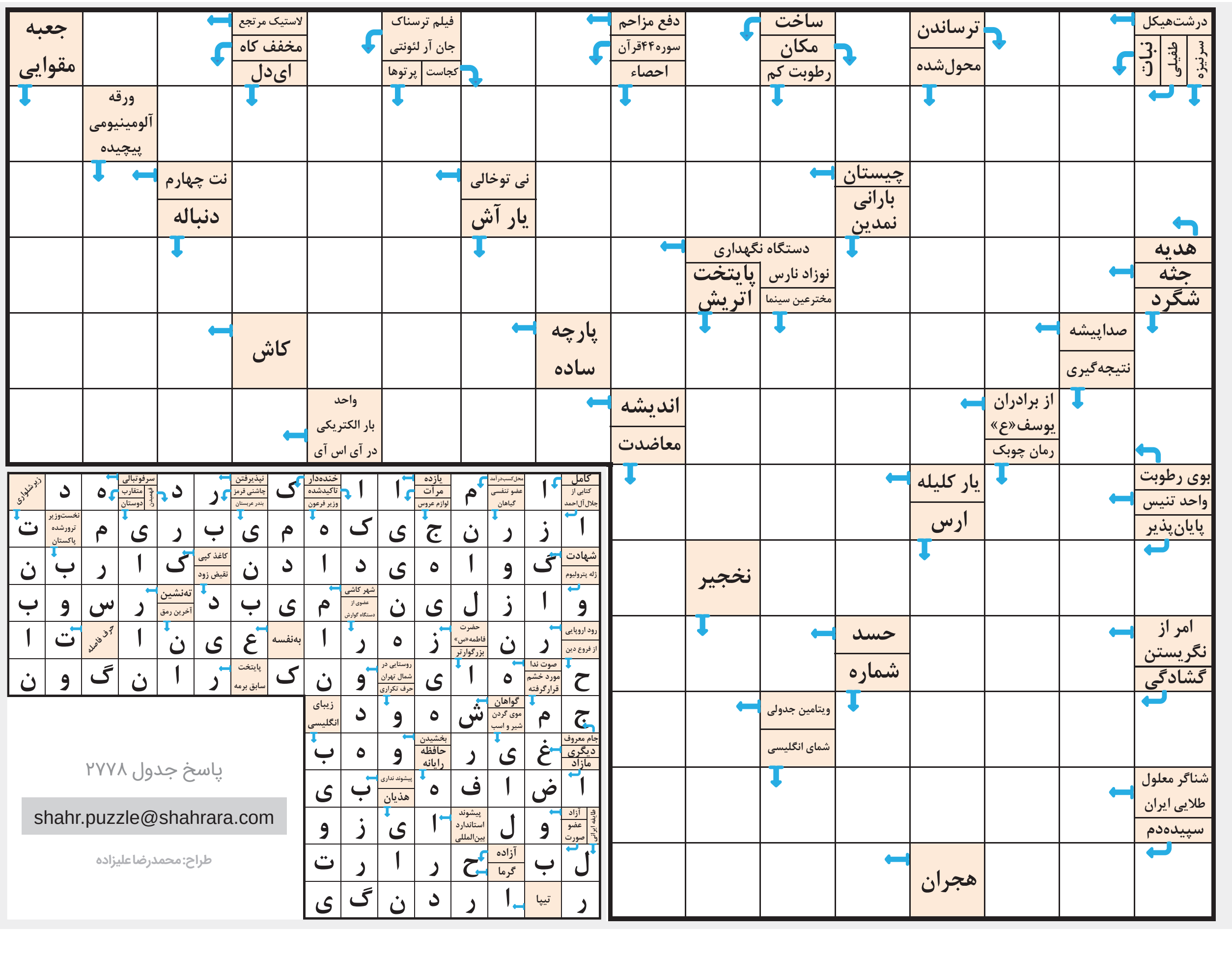

پاسخ جدول ۲۷۷۸

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

## به وقت شله

مهدی محمدی

### دارودسته داروفروش ها!

بعد از اینکه گزارش روزنامه شهرآرا درمورد فعالیت آزادانه دلالان دارو در میدان اعدام را خواندم، تصمیم گرفتم به همان مکان بروم و من نیز به‌نوبه خودم از آنجا یک گزارش تهیه کنم؛ البته با وجود خیل گسترده دلالان زحمتکش، فقط یک نفر داروی مدنظر من را داشت که در اینجا مشروح گفت‌وگوی من و این دلال بیش از اندازه محترم را می‌خوانید:

+قرص داری؟

-چی می‌خوای؟

+روم نمی‌شه اسمشو بگم!

-راحت باش، داداش! دلال دارو هم مثل دکتر محرم آدمه. کافیه یواش اسمشو تو گوشم بگی.

+قرص اسمارتیز دارین؟

-شما جون بخواه. بفرما این هم قرص اسمارتیز!

+واقعا که جنستون جوره. فقط یه سوال، تمام قرص‌های اسمارتیزی که تا حالا خوردم، رنگی‌رنگی بودند ولی این بسته اسمارتیز تمام قرص‌های داخلش سفیده. تازه روش نوشته استامینوفن کدئین.

-ببین عزیزم! این هم اسمارتیزه، منتها چون مرزها شدید کنترل می‌شه تا کسی اسمارتیز وارد نکنه، خودمون سفارش دادیم که برامون اسمارتیز بزنند با شکل‌وشمایل استامینوفن؛ یعنی واردات اسمارتیز در پوشش استامینوفن.

+ایده خیلی بکر و خلاقانه‌ای داشتین. چطوری به فکرتون رسید؟

-جاداره همین‌جا تشکر ویژه‌ای کنم از مامانم! این ایده رو غیرمستقیم از اون گرفتم؛ مثلا مامانم دم عید روی قوطی می‌نوشت لوبیا، ولی داخلش پر از پسته و بادوم هندی بود.

+چه جالب! بی‌زحمت به‌جای یک بسته اسمارتیز ده تا بدین. زشته شما این همه زحمت بکشین و خلاقیت به خرج بدین و من فقط یه بسته بخرم.

-خوشبختانه برخلاف مردم ما که زیاد به خلاقیت بها نمی‌دن و همیشه درمقابلش موضع می‌گیرن، شما به آدم‌های خلاق و کارهای خلاقانه‌شون احترام می‌ذارین. راستش مشتری‌های ما خیلی نق‌ونق می‌کنند؛ یا می‌گن این تاریخ انقضاش تموم شده یا می‌گن اون اسمش یه چیز دیگه بود. یادمه یکی از مشتری‌هام می‌گفت: «طبق تشخیص پزشک‌ها، ممکنه بچه‌م طی دوران بارداریِ خانومم، سقط بشه.» منم یه داروی خوب بهش دادم ولی ناراحت شد و کلی اعتراض کرد.

+مثلا چی می‌گفت؟

-می‌گفت: «من بهت می‌گم می‌خوام خطر سقط رو کاهش بدم. بعد شما به من داروی سقط جنین تاریخ گذشته می‌دی؟» هرقدر هم بهش گفتم: «این دارو چون تاریخش رد شده، اثرش هم معکوس شده و حتی از سقط جنین جلوگیری می‌کنه»، حرفمو قبول نکرد.

+داشت یادم می‌رفت؛ بی‌زحمت یک داروی ویتامین دی هم بدین.

-این هم ویتامین دی خدمت شما!

+فکر کنم علاوه‌بر واردات اسمارتیز، واردات ویتامین دی هم به‌شدت کنترل می‌شه؛ چون روش نوشته ایپکاک.

-اتفاقا این خود ایپکاکه در پوشش همان ایپکاک، ولی باعث افزایش ویتامین دی بدنتون می‌شه.

+چطوری؟

-این دارو مکانیسم دومرحله‌ای داره. در مرحله اول شما حالت تهوع می‌گیری و فرش رو کثیف می‌کنی و به گند می‌کشی. در مرحله دوم از خونه پرتت می‌کنن بیرون تا بیشتر خرابکاری نکنی. بیرون از خونه هم که خورشید یا همون منبع لایزال ویتامین دی به شما می‌تابه و شما ویتامین دی رو جذب می‌کنین.

+دیدی چی شد؟ شلوارمو عوض کردم، پولام تو جیب اون شلوار دیگم بود. وای اون شیء ناشناس چیه دستتون؟

-نترس، این دارویه.

+دارو؟ خیالم راحت شد. فقط یه سوال، چرا شبیه دسته‌بیله؟ می‌شه مکانیسم این دارو رو هم توضیح بدین؟

-اصلا مکانیسم پیچیده‌ای نداره. دو تا می‌زنم تو سرت. هم تو بیهوش می‌شی، هم من دلم خنک می‌شه.

الان هم از داخل بیمارستان دارم مطلب می‌نویسم. دکتر چند تا دارو برای من نوشته که برای تهیه اون‌ها گویا دوباره باید یک‌سر تا میدان اعدام برم! ●

با هم بشنویم:
خزون
کی خونده؟
شهاب مظفری
ترانه‌اش از کیه؟
مهرزاد امیرخانی
آهنگ‌سازش کیه؟
عماد طغرایی
حس‌وحالش چیه؟
احساسی و غمگین، دلتنگ‌طور، صدای پرسوز

## حاضرجواب

معاون وزیر اقتصاد خبر داد: ادغام ۱۰هزار شعبه بانکی در کشور

**یک اختلاسگر: به جای اینکه از چند بانک اختلاس کنید، از یک بانک، چندبار اختلاس کنید!**

وزیرخارجه عربستان سعودی: عربستان هیچ گاه بانی جنگ نبوده است.

**وی افزود: هر وقت خنده هاتون تموم شد، بگید تا سخنرانی مو ادامه بدم!**

مدیرعامل سازمان آتش نشانی مشهد: مشهد رتبه اول کشور در زمینه مزاحمت برای آتش‌نشانی را دارد.

**دو تا دیگه فوت کنید، می ریم واسه فینال آسیا!**

یک نماینده: با هرگونه افزایش قیمت نان، مخالف هستیم.

**چون می خواهیم کمتر از شش ماه دیگر دوباره انتخاب شویم.**

آفتاب یزد- تغییرات اقلیمی را جدی بگیرید؛ پاییز گرم.

**مردم: کسی را که با آبگوشت بدون گوشت کنار آمده، با پاییز بدون سرما تهدید نکن!**

## کله ونگ

مشتبا نخعی‌راد

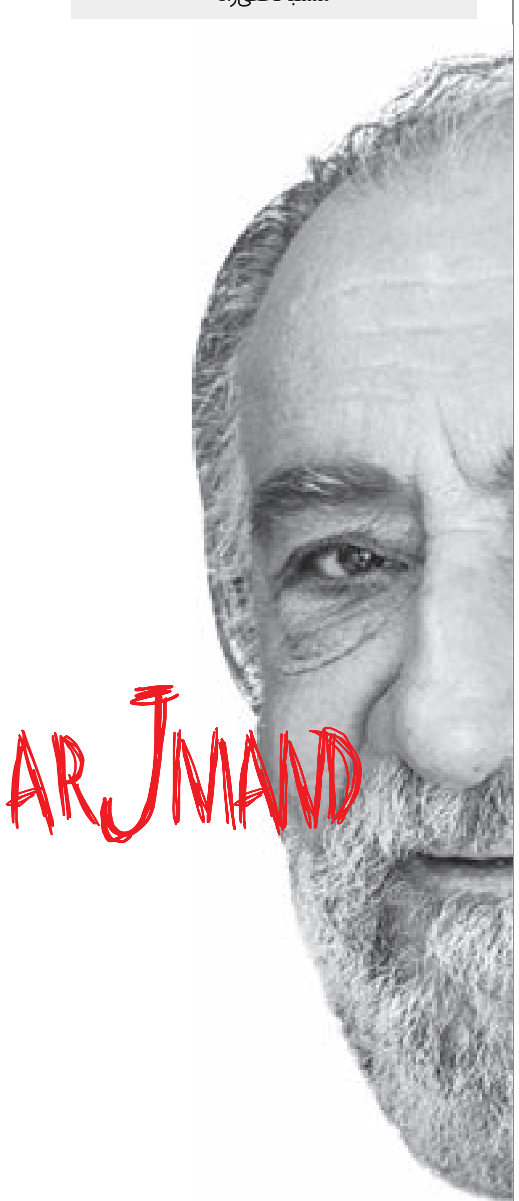

### حشمت فردوس ضدزن نیست!

بِر چی شما ایجور مِگن؟ مُو که هرچی دِرُم نِگا مُکُنُم، نِمبینُم. اِنا، همی سیریال «ستایش» رِه مُگُم که دِره سری سومش پخش مِره و خدا بِخه، فِک کُنُم هموجو مث پنیر پیتزا کش بِیه و تا بِچه و نِوسه‌های مایَم بِتنَن ادامه سیریال رِه ببینن. دداش! با شمایُم که مِگن ای سیریال ضدزن مِره، از کُجا دِرِن ایجور مِگن؟ اِنا، مُو خودُم تا جایی که یادُم مِیه، سیری قبلی همی آبجی ستایش سن‌وسالی ازش رد رِفته بود و الان مِخواست دِگه عصا دِشته بشه و دندون مصنوعی تو لیوان بِندِزه، ولی بِزِنُم به تخته، لاکردار ایقَدِه جِوون رِفته که «رابرت دنیرو» تو فیلم «اسکورسیزی» با چند میلیون دلار خرج، ایجور جِوون نرَفته بود.

بِچه محل خودِما «داریوش ارجمند» که خَیلی‌ام دوسش دِرُم، حق دِره که خُلقش تنگ بِره و بگه: «خَیلیا دِرَن مِگن که ای سیریال ضدزنه، ولی اوجور نیستَگ. همه آرزو مُکُنَن که اولین بِچه‌شا پسر بِشه، چون وقتی پدر بیمیره، مِتِنه خانواده ره نِگَه دِره، ولی دختر مالِ مردمه و بعد ازدواج وِل مِده و مِره.» دداش! شما اینا رِه نمُگُفتِن، واز ما فِک مِکِردِم اوجور که دِرَن مِگَن، نیستَگ و «حشمت فردوس» یگ جور دِگه فِک مُکُنه. ولی ایجور که دِرِن مِگن، بِچه پسر بِشه، بهتره. افتاد الان؟

بعد که مِخِی درستش کنی، مِگی: «بِرِ حشمت فردوس دختر هم مهمه. اِنا، وقتی عروسش حامله هستَگ، بِذِش مِگه نِمخه تو اتاقی که تاریکه بیشینی، وَخِز برو تو باغ ۵هزار مِتری که بِچه اکسیژن بیگیره.» بین خودِما بِشه، حالا واز مُگُفتی وَخِز بیرون که مادر بِچه اکسیژن بیگیره، مُو قِبول‌دار مِرَفتم که مِخواستی زن ره تحویلی بیگیری. ولی اوجور که دِری بِچه ره تحویل می گیری. بعدشم مگه نشنُفتی چِنِ روزه که دولَخ رِفته و دِرَن مدرسه‌ها ره هم تعطیل مُکُنَن؟ هوا دِگه اکسیژن نِدِره! بِچه‌های حالایِم شانس دِرَن بُخُدا. زمان ما تا زیر زانو برف مِیامد و گُرده‌ما یخ مِکرد، تعطیل نمکردَن، حالا هم ای ریزگردای خُردو مِیَن، تعطیل مُکَنَن. ●